

پیشگفتار:

گزارش حاضر دومین جلد از مجموعه مطالعاتی است که پیرامون موضوع اشتغال در معاونت طرح و برنامه ریزی و به منظور شناسایی عمیق تر از فرآیند تحولات جمعیتی و نیروهای شاغل در بخشهای مختلف اقتصادی آماده شده و ارائه می گردد. این تلاش که در راستای دسترسی به تحلیل واقع بینانه از مشخصه های نیروهای شاغل و بیکار کشور انجام گرفته است و با امید به این امر پیگیری می شود که اطلاعات دقیق و موثقی را در اختیار مسئولین و سیاستگذاران و همچنین

کارشناسان وزارت جهادسازندگی قرار دهد. گزارش حاضر از دو فصل تشکیل یافته است که شامل بررسی مبانی نظری اشتغال در فصل اول و تحلیل روندهای جمعیتی در فصل دوم می باشد.

مرحله بعدی این مطالعه بررسی عمیق تر وضعیت شاغلین زیربخشهای کشاورزی و ظرفیتهای خالی این بخش است که انشاء... نتایج آن نیز در تدوین برنامه سوم توسعه مورد استفاده دست اندرکاران قرار خواهد گرفت.

تحلیل روند تحولات شاغلین کشور طی سالهای ۷۵-۱۳۳۵

در بخشهای عمده اقتصادی با تأکید بر بخش کشاورزی و زیربخشهای آن

دفتر مطالعات جامع و نظارت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقاله علمی و آموزشی

مقدمه:

مسائل مربوط به اشتغال و بیکاری امروزه بطور وسیعی در مباحث اقتصادی اعم از کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته صنعتی مطرح می باشند. مسائل فوق زمانی که ابعاد آنها با مسائل اجتماعی در می آمیزد اهمیت بالاتری بخود می گیرند. معضل ناشی از پدیده بیکاری و عدم اشتغال علاوه بر مشکلات اقتصادی که بدنبال دارد، منشاء بروز اختلالات رفتاری و کرداری در سطح جامعه و همچنین بروز تنشهای سیاسی می گردد، که

سلامت یک جامعه را در معرض خطر جدی قرار می دهد.

اهمیت موضوع زمانی که با آمار رو به رشد نرخ بیکاری در اکثر کشورهای در حال توسعه روبرو هستیم آشکارتر می شود، و از آن مهمتر زمانی است که بدانیم ابعاد این فاجعه به دامنه آمار و ارقام مستشره در زمینه بیکاری آشکار ختم نمی شود، و تنها قسمتی کوچک از معضلات موجود را در این ارقام می توان مشاهده نمود. بررسی دقیقتر موضوع مستلزم در نظر داشتن موضوعاتی همچون اشتغال،

عرضه نیروی کار:

عرضه نیروی کار، عبارتست از حجم جمعیت فعال در یک جامعه که مجموع جویندگان کار و افراد شاغل می‌باشد.

تقاضای نیروی کار:

مشاغلی که در مقابل عرضه کنندگان کار وجود دارد شکل دهنده تقاضای نیروی کار می‌باشند. با ایجاد هر فرصت شغلی در واقع تقاضا برای نیروی کار شکل می‌گیرد، و در صورت کمتر نبودن عرضه نیروی کار از تقاضای آن، جمعیت شاغل می‌تواند معرف تقاضای نیروی کار باشد.

جمعیت شاغل:

جمعیت شاغل شامل افرادی از جمعیت فعال است که در حال حاضر مشغول به کار و فعالیت هستند.

جمعیت بیکار:

افرادی که در سن فعالیت قرار دارند، در صورتی که قادر و مایل به کار باشند ولی نتوانند در سطح جاری دستمزدها و متناسب با سطح تخصص خود کاری بیابند، بیکار محسوب می‌شوند. از این رو در محاسبه جمعیت بیکار آمارگران تنها کسانی را که در زمان آمارگیری در جستجوی کار بوده ولی نتوانند براساس آنچه که ذکر شد مشغول به کار شوند، به حساب بیکاران می‌آورند و افرادی که به هر دلیل بدنبال کار نباشند، بیکار تلقی نمی‌شوند.

نرخ فعالیت:

نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت بالای ۱۰ سال را در صورت ضرب شدن در عدد ۱۰۰، نرخ فعالیت می‌گویند.

وضعیت موجود بازار کار در کشور، و همین‌طور بررسی وضعیت شاغلین بخش کشاورزی و زیربخشهای آن بصورت تفصیلی می‌باشیم، تا ضمن آن، همراه با ارزیابی برخی از سیاستهای گذشته در ارتباط با مسائل نیروی انسانی در این بخش، به شناسایی ظرفیتهای پتانسیلهای موجود پرداخته و در نهایت بتوانیم به حقایق موجود پیرامون وضعیت نیروی انسانی در این بخش و تصویر آینده آن رهنمون شویم.

فصل اول: بررسی مبانی نظری اشتغال و بیکاری و ابعاد اقتصادی - اجتماعی آن

۱-۱- مبانی نظری اشتغال و بیکاری

۱-۱-۱- اشتغال و مفاهیم

مربوط به آن

قبل از پرداختن به موضوع اشتغال و بررسی تحولات آن در ایران، لازم است در ابتدا مفاهیمی پیرامون اشتغال و بیکاری روشن گردد تا در ادامه کار ابهامی در زمینه واژه‌های مورد استفاده وجود نداشته باشد.

جمعیت فعال:

جمعیت فعال عبارت از جمعیتی شامل افراد واقع در سنین کار است که به شکل بیکاران در جستجوی کار و شاغلین در جامعه ظاهر می‌شوند. سن شروع بکار عمدتاً براساس شرایط هر کشور تعریف می‌شود و عمدتاً افراد بالای ۱۰ سال و زیر ۶۵ سال را دربرمی‌گیرد. در این گروه سنی افرادی همچون زندانیان، محصلین، دانشجویان و زنان خانه‌دار علیرغم اینکه در سن فعالیت قرار دارند ولی بدلیل عدم امکان عرضه کار خود و یا عدم تمایل در عرضه آن، جزء جمعیت فعال محسوب نمی‌شوند.

فقر، بهره‌وری پایین و همچنین کم‌کاری حاکم بر این جوامع می‌باشد که بسیار نگران‌کننده بنظر می‌رسد. در این رابطه مطالعه جمعیتی ایران بیانگر، توده‌ای عظیم از افراد جامعه در سنین جوانی و نوجوانی است که پشت سدھائی همچون مدارس و دانشگاهها جمع شده و چند صباحی دیگر شاهد ورود آنها به جرگه جویندگان کار خواهیم بود. حال باید پرسید که آیا اقدامات لازم جهت بکار گماردن افراد فوق صورت گرفته است؟ ضمن اینکه باید در نظر داشت افراد نامبرده اغلب بصورت ماهر و یا نیمه‌ماهر در جامعه ظاهر خواهند شد. از اینرو هر نوع شغلی را مناسب با انتظار خود نخواهند یافت، و شغلهائی که تناسب بیشتری با رشته تحصیلی آنها دارد از جذابیت بیشتری برخوردار خواهد بود. بدین گونه می‌توان نیاز رسیدگی به مسائل اشتغال و رفع بیکاری را با قوت هر چه تمامتر اظهار نمود. لذا در ایسن گزارش بدنبال روشن ساختن

نرخ اشتغال :

نسبت جمعیت شاغل به کل جمعیت فعال را در صورت ضرب شدن در عدد ۱۰۰، نرخ اشتغال می‌گویند.

فعالیت اقتصادی یا کار :

هر نوع عمل فکری یا بدنی که مطابق قوانین کشور و عرف جامعه غیرمجاز تلقی نشود و برای کسب درآمد (اعم از نقدی یا غیرنقدی) صورت گیرد و نتیجه آن تولید کالا و یا انجام خدمت باشد^(۱).

اشتغال کامل :

اشتغال کامل زمانی است که هر کس بخواهد با دستمزدهای متداول کار کند، می‌تواند کاری بدست آورد. البته منظور از اشتغال کامل، عدم بیکاری بطور مطلق نیست، بلکه در اقتصاد متناسب با شرایط اشتغال کامل همواره نرخ از سوی اقتصاددانان، بعنوان نرخ طبیعی بیکاری در نظر گرفته می‌شود.

اشتغال ناقص :

هرگاه مزدی که به کارگران پرداخت می‌شود، بر مبنای کار تمام وقت باشد، ولی در کاری که انجام می‌دهند از تمام وقت آنها استفاده نشود و یا برعکس آن زمانی که کارگران در جستجوی کار تمام وقت، تنها موفق به پیدا کردن کار پاره‌وقت می‌گردند، گفته می‌شود که اشتغال ناقص وجود دارد.

۱-۱-۲- انواع بیکاری :

بنا به اهمیت موضوع، لازم است که مشخص شود منظور از بیکاران چه کسانی هستند. همچنان که در قسمت قبیل هم بیان کردیم افراد زیادی علیرغم قرار گرفتن در سنین کار بیکار محسوب نمی‌شوند و اصولاً این

افراد جزء فعال محسوب نمی‌شوند. لذا لازم است که ابتدا مواردی همچون بیکاری ارادی و غیرارادی که عامل محاسبه و یا عدم محاسبه افراد زیادی در زمره بیکاران و غیر آن می‌باشد روشن گردد.

الف - بیکاری ارادی :

این نوع از بیکاری شامل افرادی می‌شود، که با میل و اراده خویش بیکار مانده‌اند. عبارت دیگر این افراد براساس میل و ترجیح خود، دارای شغل همراه با دستمزد نیستند. از این جمله می‌توان به زنان خانه‌دار، دانشجویان و دانش‌آموزان واقع در سنین فعالیت اشاره نمود.

آنچه که ما در این گزارش با عنوان بیکار نام می‌بریم، منظور بیکاری فوق نمی‌باشد. این نوع از بیکاری دارای اثرات مخرب اجتماعی و اقتصادی بمراتب پایین‌تری در مقایسه با بیکاری اجباری - که بعداً تشریح می‌شود - می‌باشد.

ب - بیکاری غیرارادی :

بیکار غیرارادی، فردی است که قادر و مایل است در سطح دستمزدهای متداول و جاری به تناسب مهارت و تجربه خود دارای شغل باشد، ولی نتواند شغلی بیابد.

وجود تعدادی معین از بیکاران فوق در اقتصاد طبیعی می‌باشد. تغییرات تکنولوژیکی و تغییرات در تقاضا باعث بروز نوعی بیکاری موقتی در اقتصاد می‌گردند. نرخ طبیعی بیکاری همچنانکه قبلاً نیز بیان شد، توسط اقتصاددانان سازگار با وضعیت اشتغال کامل، بیان می‌شود و زمانی است که تعداد شغل‌های بدون متصدی و تعداد بیکاران برابر باشد. البته این بدان مفهوم نیست که تمامی بیکاران مذکور شغل‌های خالی را پیدا کرده و

نرخ بیکاری به صفر می‌رسد. بلکه بیکاری اصطلاحاً و ساختاری که مجموع آنها نرخ طبیعی بیکاری را شکل می‌دهد، همواره وجود دارد. (بیکاری ساختاری و اصطلاحاً، در دنباله مبحث تعریف می‌گردند).

بیکاری غیرارادی به انواع مختلف تقسیم می‌شوند که در زیر به آن اشاره می‌شود.

۱- بیکاری ساختاری :

تغییرات در تقاضا و همچنین بروز تغییر در ساختار صنعتی یک کشور و یا تغییرات حاصله در شیوه تولید به لحاظ تحولات تکنولوژیکی، با توجه به عدم تحرک عوامل تولید (عدم امکان جانشینی کامل) موجب بروز نوعی از بیکاری می‌شود که آنرا بیکاری ساختاری می‌نامند. زمانی که در نتیجه تغییر در شیوه تولید، در یک رشته خاص از صنعت، عده‌ای از کارگران اضافی تشخیص داده می‌شوند، این نوع بیکاری بوجود می‌آید. زیرا تحولات فنی در این صنعت باعث می‌شود که میزان کارگر به ازای تولید هر واحد کالا کاهش پیدا کند. البته باید توجه داشت که بدلیل ناهمگن بودن نیروی کار در رشته‌های مختلف تولیدی نمی‌توان براحتی کارگران اضافی (بیکار شده در اثر تحولات فنی در شیوه تولید) را در صنعت دیگر بکارگمارد، بلکه بنگاهها در این موارد ناگزیر از صرف هزینه‌هایی جهت جایگزین کردن مجدد کارگران بیکار شده هستند که هر چه هزینه فوق‌الذکر بالاتر باشد، معمولاً طول دوره بیکاری ساختاری نیز طولانی‌تر خواهد بود. (هزینه‌های جایگزین سازی نیروی کار در صنعت دیگر شامل مواردی همچون آموزش، متناسب سازی مهارت و تخصص افراد با صنعت جدید، هزینه‌های کسب اطلاعات و ... می‌باشد).

۲- بیکاری اصطکاکی :

گاهی به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات کامل و هزینه بر بودن کسب اطلاعات، علیرغم وجود شغل‌های خالی و بدون متصدی در یک صنعت خاص ممکن است افرادی که جوای کار هستند از وجود چنین مشاغلی آگاهی نیافته و همچنان بیکار باقی بمانند. لذا عدم اطلاع کارفرمایان از وجود متقاضیان کار و همچنین عدم اطلاع کارگران از وجود مشاغل خالی باعث می‌شود این نوع بیکاری حادث شود.

برای توضیح بیشتر این نوع بیکاری اگر ۲ صنعت A و B را در نظر بگیریم، که L_1 نفر در صنعت A و L_2 نفر در صنعت B شاغل باشند و مزد تعادلی نیز برابر با W^e باشد. حال اگر تقاضای نیروی کار در صنعت B به هر دلیل کاهش پیدا کند، باعث کاهش اشتغال در صنعت B می‌شود. اگر فرض شود، که بنا به دلائلی غیر از تغییر مزد، تقاضا برای نیروی کار در صنعت A افزایش پیدا کند. همچنین اگر فرض کنیم که نیروی کار در ۲ صنعت جانشین یکدیگر هستند، نیروی کار اضافی از صنعت B می‌تواند به صنعت A برود. ولی انتقال از صنعت B به A مستلزم آگاهی داشتن از وضعیت صنعت A است که باید کارگران بیکار شده در صنعت B از آن برخوردار باشند. کسب اطلاعات لازم و آگاهی یافتن از وجود مشاغل خالی در صنعت A مدت زمانی را سپری می‌کند که طی آن افراد از کار برکنار شده در صنعت B دچار نوعی بیکاری، به نام بیکاری اصطکاکی می‌شوند.

۳- بیکاری فصلی :

برخی مشاغل تابع نوسانات فصلی و یا نوسانات در تقاضا می‌باشند، در چنین صنایعی افراد شاغل طبیعتاً همراه با نوسانات مذکور، دچار بیکاری و یا کم کاری می‌گردند.

صنایعی که مشمول تغییر و تحولات فصلی و یا تغییرات در تولید هستند، به ۲ گروه تقسیم می‌شوند.

الف - صنایعی که تولیدات آنها تحت تأثیر نوسانات فصلی، شرایط آب و هوایی، کیفیات تولید مواد اولیه و ... قرار دارند. (فعالیت‌های گروه کشاورزی، تولید میوه و سبزیجات، غلات و ...).

از جمله موارد فوق که تحت تأثیر تحولات جوی و فصلی است، کلیه مشاغل فعال در فضای باز می‌باشند. این گروه از مشاغل در مواقع نامساعد بودن شرایط محیطی دچار تعطیلی موقتی گردیده و بدنبال آن افراد شاغل در این گونه فعالیتها نیز بطور موقتی (فصلی) بیکار می‌شوند.

ب - در برخی از صنایع محصولاتی تولید می‌شود که در فصول خاصی برای آنها تقاضا وجود ندارد. از جمله این صنایع می‌توان صنایع تولید پوشاک (زمستانه، تابستانه، پاییزی و بهاری) را نام برد. همچنین صنایعی که محصولات آنها براساس مد روز به فروش می‌رسند نیز در این زمره قرار می‌گیرند. زیرا در صنایع فوق با کاهش تقاضا، تولید نیز کاهش یافته و جمعی از کارکنان شاغل در این صنایع بطور موقتی (فصلی) بیکار می‌شوند. برای کاهش بیکاری فصلی گفته می‌شود، که با ایجاد صنایع مکمل و وابسته می‌توان از بروز این بیکاری کاست. مثلاً می‌توان از کارگرانی که در فصل تابستان در مزارع نیشکر استفاده می‌شود، در فصل زمستان در کارخانه‌های قند و امثال آن استفاده کرد.

۴- بیکاری عمومی (شایع):

این نوع بیکاری معمولاً پس از پایان یافتن جنگها و بازگشت تعداد زیادی از سربازان از میدان جنگ و سرازیر شدن به

سوی بازار کار، همچنین در شرایط بحرانی اقتصادی، شیوع پیدا می‌کند. در این مواقع معمولاً هزینه‌های عمومی کاهش پیدا کرده و تأثیر بسیار بالایی در کاهش سطح تقاضای نیروی کار خواهد داشت.

۳-۱-۱- ویژگی بیکاری در کشورهای در حال توسعه :

بسه دلیل تفاوت‌های ساختاری، تکنولوژیکی، جمعیتی، فرهنگی و ... مسائل اشتغال و بیکاری در کشورهای رو به رشد و پیشرفته صنعتی همچون سایر پدیده‌های اقتصادی، تفاوت جلوه‌گر می‌شوند. لذا قبل از پرداختن به ویژگی اشتغال و بیکاری در کشورهای در حال توسعه، برخی از خصائص مربوط به این کشورها را که منشأ بروز اختلاف در ساختار بازار کار، بین دو گروه از کشورهای فوق می‌باشد، به اختصار بیان می‌کنیم و پس از آن به بیان ویژگی اشتغال و بیکاری در کشورهای رو به رشد پرداخته می‌شود.

الف - نرخ رشد بالای جمعیت :

بررسی تاریخی تحولات جمعیت نشانگر افزایش شتابان جمعیت جهان در سالهای پس از جنگ جهانی دوم تاکنون می‌باشد. در این میان شدت افزایش جمعیت در بین جوامع مختلف متفاوت بوده و می‌باشد.

طی سالهای ۱۹۸۸-۱۹۸۳ بالاترین ارقام رشد جمعیت مربوط به کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است^(۲). در بین کشورهای فوق، کشورهای اسلامی نیز بالاترین درصد رشد جمعیت را دارا بوده‌اند، بطوریکه عربستان با ۵/۶ درصد، بحرین با ۴/۸ درصد، امارات با ۴/۴ درصد، لیبی با ۴ درصد، از نرخ رشد بسیار بالایی برخوردار بوده‌اند^(۳). بر طبق پیش‌بینی‌های انجام

شده^(۴) برای سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ ارقام فوق به ترتیب برابر با ۳/۸، ۲/۴، ۱/۸، ۳/۵ و ۳/۸ درصد خواهد بود، که در مقایسه با ارقام مربوط به رشد جمعیت در کشورهای پیشرفته بسیار بالا می‌باشند.

رشد بالای جمعیت در اغلب کشورهای در حال توسعه که به دلیل کاهش نرخ مرگ و میر و عدم کاهش نرخ باروری بطور متناسب می‌باشد، موجب بروز یک سری از مشخصه‌های ویژه در بازار کار این کشورها شده که منشأ بروز بسیاری از مشکلات مربوطه می‌باشد.

مطالعه اقتصادی جمعیت، در کشورهای رو به رشد بیانگر این واقعیت است که، هماهنگی کاملی بین رشد اقتصادی و رشد جمعیت وجود ندارد. بطوریکه پیشی گرفتن نرخ رشد جمعیت بر نرخ رشد اقتصادی موجب تنزل درآمد سرانه در این کشورها شده و بدنبال آن برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی این کشورها، با مشکلات عمده‌ای مواجه گردیده است.

رشد بالای جمعیت باعث می‌شود که ترکیب جمعیتی این کشورها به سوی جوانی متمایل شده و با افزایش افرادی که کمتر در امر تولید دخالت دارند، موجب افزایش بار تکفل می‌شود. در این شرایط معمولاً بخش کوچکی از جمعیت در امر تولید کالا و خدمات شرکت دارند، که به معنای کاهش نرخ فعالیت و تقلیل نیروی فعال جامعه می‌باشد. در این شرایط هزینه‌های آموزش و پرورش، مسکن، تسهیلات پرورشی و ... افزایش یافته و مشکلات عده‌ای را برای این گروه از کشورها بدنبال خواهد داشت.

از دیگر آثار رشد بالای جمعیت، تأثیر آن بر بازار نیروی کار و به هم خوردن تعادل بین عوامل تولید است که بدلیل افزایش در عرضه

نیروی کار و عدم امکان ایجاد اشتغال با نرخ متناسب با آن در این کشورها، بیکاری به صورت آشکار و پنهان در سطح وسیعی گسترش خواهد یافت.

ب - مهاجرت :

امروزه هجوم خیل عظیم نیروی کار از مناطق روستایی به سوی شهرها در اغلب کشورهای رو به توسعه بخوبی قابل مشاهده می‌باشد. هدف از بیان این مطلب در این بخش بررسی روند و شیوه متفاوت مهاجرت از روستا به شهر و در کشورهای در حال توسعه و پیشرفته می‌باشد.

بر طبق الگوی «کلین کلاک» فعالیت‌های اقتصادی را در راستای تحول به سه بخش می‌توان تقسیم نمود. بخش اول کشاورزی و استخراج معادن، بخش دوم صنایع و ساختمان، بخش سوم حمل و نقل، تجارت، خدمات و اداره امور عمومی است. در ابتدای مراحل توسعه، اکثر فعالیت‌های اقتصادی در بخش اول متمرکز بوده و بتدریج که اقتصاد توسعه بیشتری می‌یابد، بخش دوم رشد پیدا کرده و سهم بخش اول را کاهش می‌دهد. در مراحل تکمیلی توسعه سهم بخش سوم گسترش یافته و در مقابل سهم بخش‌های اول و دوم مجدداً کاهش می‌یابد. از اینرو مکانیزم تحول در کشورهای پیشرفته به

گونه‌ای بوده است که با پیشرفت و توسعه اقتصادی سهم بخش خدمات افزایش پیدا کرده و شاغلین زیادی را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که در اکثر کشورهای جهان سوم نیز سهم خدمات شبیه کشورهای پیشرفته بالاست، ولی می‌توان گفت روند انتقال فعالیت‌ها در این کشورها بگونه‌ای متفاوت از آنچه که در الگوی کلین کلاک ذکر شد، صورت گرفته است. به عبارت دیگر انتقال

فعالیت‌ها و تمرکز اشتغال از یک بخش به بخش دیگر براساس فرآیند طبیعی فوق صورت نگرفته و مسیری جداگانه پیموده است. در کشورهای فوق‌الذکر، همراه با مهاجرت و انتقال جمعیت از بخش کشاورزی به سوی شهرها، درصد کمی از آنها، جذب بخش صنعت شده و مابقی جذب فعالیت‌هایی که غالباً در بخش‌های غیررسمی و در قالب بخش خدمات، صورت می‌گیرند، مشغول بکار گردیده‌اند.

طی سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰ از اهمیت نسبی صنایع تولیدی کوچک در مجموعه فعالیت‌های اقتصادی جهان سوم کاسته شده و با ورود کالاهای وارداتی و تولیدات حاصل از صنایع ممالک پیشرفته و عدم امکان رقابت صنایع کوچک در کشورهای جهان سوم با این صنایع، به میزان زیادی از جمعیت مشغول در اینگونه فعالیت‌ها کاسته شده است.

نسبت جمعیت فعال در رشته صنایع تولیدی کشورهای در حال توسعه، در سال ۱۹۷۰ برابر ۹ درصد^(۵) بوده است با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شود جذب مهاجرین جدا شده از بخش کشاورزی در بخش صنعت بسیار مشکل باشد، از این رو جمعیت فعال در بخش خدمات با سرعت زیادی افزایش یافته و تعداد افراد آن طی سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰ به چهار برابر رسیده است.^(۶)

براساس برآوردهای انجام شده^(۷) مشخص گردیده که بخش صنعت فقط ۱۰ درصد از اضافه جمعیت فعال بخش کشاورزی را جذب کرده است. این برآورد در مورد کشورهای اروپای غربی نشان می‌دهد که ضریب جذب اضافه جمعیت فعال بخش کشاورزی در حدود سالهای ۱۸۹۰ برابر با ۸۰ درصد و در نخستین مراحل صنعتی شدن بین ۳۰ تا ۴۰ درصد بوده است، که می‌توان اظهار

نمود این تفاوت با کشورهای در حال توسعه ، تنها بدلیل سریعتر صنعتی شدن اروپا نیست ، بلکه عوامل دیگری همچون نرخ رشد جمعیت و ساختار متفاوت اقتصادی - اجتماعی این کشورها ، نیز در آن دخیل بوده اند . بگونه‌ای که اگر در مورد سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ نرخ رشد جمعیت کشورهای در حال توسعه را برابر با ۰/۶ درصد در نظر بگیریم ، با ثبات ضریب صنعتی شدن ، ضریب جذب اضافه جمعیت فعال بخش کشاورزی به وسیله صنایع به حدود ۷۰ درصد می‌رسید که از این طریق می‌توان اثرات منفی رشد بالای جمعیت در این کشورها را مشاهده نمود . از اینرو براحتی می‌توان دریافت که شرایط فعلی کشورهای در حال توسعه و عدم امکان قدرت جذب نیروی کار مازاد بخش کشاورزی توسط بخش صنعت در سطحی متناسب با وضعیت گذشته اغلب کشورهای پیشرفته فعلی ، بگونه‌ای است که باعث شده تا در کشورهای پیشرفته امروزی جریان مهاجرت از روستا به سوی شهرها بگونه‌ای کاملاً متفاوت از آنچه که امروزه در اغلب کشورهای در حال توسعه مشاهده می‌شود ، جلوه‌گر شود . در کشورهای صنعتی جریان فوق به صورت تدریجی و همگام با تحولات لازم در بخش صنعت و دیگر بخشها صورت گرفته است . ولی در اغلب کشورهای رو به رشد در آغاز فرآیند صنعتی شدن می‌توان شاهد یک بسخس خدمات بزرگتر از حد متعارف بود که بطور عمده معلول عرضه بسیار فراوان نیروی کار مازادی است ، که در سایر بخشها امکان فعالیت کمتر خواهند یافت . همچنین افزایش شاغلین بخش فوق بزمیزان زیادی از طریق گسترش بخشهای غیررسمی و گسترش سازمانهای دولتی در این کشورها ، صورت گرفته است .

ج - تکنولوژی :

اصولاً نوع تکنولوژی و پیشرفت آن می‌تواند تاثیر بسزایی در تحولات اشتغال داشته باشد . پیشرفت تکنولوژی ، امکان دستیابی به منابع طبیعی و بهره‌برداری از آنها و همچنین زمینه تبدیلات مواد اولیه به کالاهای نهایی را فراهم ساخته و باعث افزایش مصرف و در نهایت ایجاد سود و سرمایه‌گذاری می‌شود . گسترش سرمایه‌گذاری نیز موجب ایجاد بخشهای جدید و ایجاد اشتغال مجدد خواهد شد . در کشورهای در حال توسعه ، بدلیل مشکلات مالی و عدم امکان گسترش صنعت از یکسو و عدم هماهنگی لازم بین رشد صنعت و اشتغال از سوی دیگر براساس شواهد موجود ، می‌توان گفت که همواره بخش صنعت از آنچه که در کشورهای پیشرفته مشاهده کردیم ، متمایز بوده است . به گونه‌ای که بر طبق بررسی‌های به عمل آمده می‌توان دریافت طی دوره ۱۹۶۳-۱۹۶۰ در مورد برخی از کشورهای افریقایی ، آسیا و آمریکای لاتین رشد تولیدات صنعتی و رشد اشتغال متناسب و سازگار عمل نکرده و گاهی نیز رابطه معکوسی داشته‌اند (۸)

از این رو کشورهای در حال توسعه در ارتباط با ، پدیده‌ای به نام دوگانگی اقتصادی ، که یک بخش سنتی و یک بخش مدرن را در کنار هم ، در برگرفته است ، از نوع تکنولوژی ناهماهنگ و نامتناسبی برخوردارند . که منشاء بروز دو بخش غیرهمگن سنتی و مدرن در اغلب فعالیت‌های صنعتی شده ، که بطور متفصل و جداگانه در حال فعالیت هستند . این مطلب خود بوجود آورنده نوع دیگری از دوگانگی برحسب مناطق شهری و روستایی گردیده است . بخش شهری که نمودی از بخش مدرن می‌باشد ، با تمرکز بر فعالیت‌های صنعتی و

خدماتی بنا شده و برعکس آن بخش روستایی با تمرکز بر فعالیت‌های بخش کشاورزی و بعنوان نمودی از بخش سنتی در حال انجام فعالیت می‌باشد .

- ۱- تعریف مرکز آمار ایران ، سالنامه‌های آماری سالهای مختلف .
- ۲- تازه‌های اقتصاد ، شماره ۲۰ ، سال ۱۳۷۰ ، ص ۱۲ .
- ۳- همان ماخذ .
- ۴- همان ماخذ .
- ۵- پل پروک ، جهان سوم در بن‌بست ، امیرحسین جهانبگلو ، ص ۱۶۷ .
- ۶- ماخذ فوق ، ص ۱۶۷ .
- ۷- ماخذ فوق .
- ۸- مایکل تودارو ، توسعه اقتصادی در جهان سوم ، جلد اول ، غلامعلی فرجادی ، ص ۳۵ .